

جواب سؤال میانه ترم:

* اصل اول که ما به خود را بشناسیم: مهم ترین موضوع در HCI و طراحی شامل و ارتباط، درجه ای که ما به آن توجه داریم و درجه ای که ما به آن توجه نداریم است. این چه دردی دارد؟

کاربر مجبور، تنها در سال های اخیر تبدیل به یک شکل گرفته است اما این اصل به سادگی بیان می کند که طراحی شامل و رابط، باید نیاز و قابلیت های کاربر مد نظر داشته باشد. با این حال اغلب طراحان و مجریان HCI بدون درک کامل کاربر پس می روند. به عنوان مثال: به طور ایده آل، اولاد است جامع مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت اجتماعی، تجربه کامپیوتری، سوابق فردی (در صورت کاربر بودن) باید جمع آوری و تجزیه و تحلیل شود تا اولویت های احتمالی، کراسینگ ها، قابلیت های فیزیکی و ذهنی و سطوح مهارت آن مشخص شود. چنین اولاداتی عموماً بهتر از زمان از نظر ادراک سه بعدی شناخته می شوند و به این ترتیب، ممکن است چنین حقیقتی را در به کارگیری رابط های کاربری سه بعدی در نظر بگیریم. یک مفهوم مرتبط دیگر برای طراحی از کاربر خود، مفهوم قابلیت استفاده جهانی است، که به طور کلی رابطی «دانشی» را ارتقا می دهد و طیف گسترده ای (به جای یک محدوده خاص) از کاربران را در بر می گیرد. به عنوان مثال در میان گروه های سنی، سطوح مهارت، زمینه های فرهنگی و سطوح ناآشنایی.

اصل دوم (درک وظیفه): اصل تقریباً رایج دیگر، درک وظیفه است. عبارت وظیفه به ندرت اشاره دارد به باید توسط کاربر از طریق استفاده از سیستم تکمیل انجام شود. در واقع، هر یک وظیفه و ارتباط نزدیکی با اصل سازی شامل و تجزیه و تحلیل کاربر دارد. این امر به سلسله ای از انتخاب و انتقال در سطح انتزاع مناسب برای کاربر معمولی در زمینه کاربردی نزدیک تری می پردازد. زیرا وظیفه (برای یک نیاز یا بزرگ تر) را برای «تجزیه و تحلیل» مدل سازی درد و کار کاربر خواست تا از مجموعه ای از نقاط دسترسی نزدیک بر اساس ویژگی های می مانند قدرت بینایی و شنوایی و سطح است و کرد باشد. دوباره باید توجه داشته باشیم که مدل وظیفه (یا شامل) باید به طور ایده آل از کاربر حاصل شود. کاربران مختلف مدل های ذهنی متفاوتی از کاربرد دارند و این باید در ساختار رابط منعکس شود تا پیاده سازی برای همه کاربران ساده شود. مدل وظیفه شامل ناسی ادوات تنها بر اساس خدمت کلی انسان در نظر می آید.

اصل ششم در جلوگیری از اشتباهات (لغو عمل) : در حالیکه پیشانی از تسلیل سریع نارحم است ، عملیات بدون حفاظت به دندان اندازه مهم است .

به این ترتیب ، تعامل و رابط باید برای جلوگیری از سردرگسی و افتادن به روشنی طراحی شود . و نسبتاً همه اصول ذکر شده در اینجا اعمال می شوند . علاوه بر این ، یک تغییر موثر ارائه داده در حواصت اطلاعات لازم مربوط به هر زمان سردرگمی از است . آیتیم می غیر فعال چند مثال می خوبی از چنین تکنیکی هستند . همچنین ، داشتن مستقیم نیازمند این است که ما بر اساس نام انتی بک بند به عنوان مثال ، مستقیم می باشد . و اگر یکی روشی مطمئن تر از تکیه بر یادآوری (به عنوان مثال ، ورودی متن مستقیم) بار چند بار تکرار بعضی از اصول و تکنیک می توصیف شده در اینجا ، و نسبت به این احتمال وجود دارد که ما به در چهار اشتباه می رود . بنابراین ، یک ویژگی بسیار واضح با به راحتی فراموش شده این است که اجازه می دهد که در آن عمل انجام شده را می دهد . این امر ما را به در وضعیت راحتی قرار می دهد و رضایت ما را برانداختن می دهد .

اصل هفتم (طبیعی بودن) : اصل نهمی HcI ، حمایت از تعامل و واسطه می «طبیعی» است . طبیعی بودن به معنی اشاره دارد که بازتاب دهنده عملیات می مختلف هر زندگی روزمره است . به عنوان مثال ، یک HcI مایل ممکن است روزی تشخیص داده می شود که یک رابط عموماً می چینی به زبان طبیعی

امکان پذیر باشد ، زیرا این روش رایجی است . انسان می بایک ارتباط برقرار می کنند با این حال ، ترجیح می دهند سبب می زندگی واقعی و حالت می تکرار می شود . و تعامل با آن می تواند دشوار باشد ، شاید رویداد بهتر ، مدل سازی تعامل «استداری» ، باستانی زندگی واقعی ، استخراج قابلیت معنوی و استدلالی ما را باشد . بهر حال ، رابعی به نام ARcP برای چرخش می شی ، در فضای سه بعدی با استفاده از خط و من (دشوار و پیچیده) نشان می دهد ، به منظور چرخش ، جسم می درازند . توسط یک تکه مختلف ارائه شده در وی آن قدر می گیرد و ما به برای چرخش جسم داخل کرده ، روی سطح آن حرکت می کند . معنی است این گفتنی چرخش را استداری در تکرار می زبانی تاملی را به یک کرده ، یعنی چرخشی ترین شی که می می بینیم ، خلاصه می کند . یک رابط طبیعی یا استداری نباید ما را در یک دیگر (باستفاده از افغانی) که برای ادراک و شناخت ذاتی ما جذاب است ، بنابراین آن را چنان می بیند که ما را به رابط تقریباً به یک یادگیری نیاز ندارد .